

تسامح در نقل روایات عاشورایی؛ آسیب‌ها، ره‌آوردها و راه‌کارهای تعامل با آن

دکتر محمد فراهانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

چکیده

روایات عاشورایی از جمله بسترهای مهم کاربریست قاعده «تسامح در ادله سنن» است. کثرت تسامح در نقل‌های ضعیف مربوط به واقعه عاشورا در مقایسه با روایات حوزه فقه و اعتقاد، نشانگر سختگیری کمتر نویسندگان کتب مقتل در نقل وقایع کربلاست. این پژوهش با تتبع در روایات عاشورایی، به دنبال واکاوی آسیب‌ها و ره‌آوردهایی است که تسری قاعده «تسامح در ادله سنن» در حوزه نقل‌های عاشورایی بر جای گذاشته است. در این پژوهش برای کاربریست این قاعده، راه‌کارهایی چون پرهیز از نفی بدون تحقیق و ارزیابی جوانب مختلف روایات مقاتل پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی عاشورا، احادیث من بلغ، تسامح در ادله سنن، روایات عاشورایی، مقتل الحسین علیه السلام.

۱. استادیار گروه معارف دانشکده شهید مطهری بسیج. Yasekabood.org@gmail.com

عالمان دین، به ویژه پژوهشگران سیره معصومین علیهم‌السلام، از روزگار پیشین تا کنون، لابه لای آثار خود، نقل‌های عاشورایی را، مطمح نظر قرار داده‌اند. به عنوان نمونه محمد بن عمر واقدی (متوفای ۲۰۷ یا ۲۰۹)، ابو عبیده معمر بن مُثَنَّى (متوفای ۲۰۹)، نصر بن مزاحم منقری (متوفای ۲۱۲)، ابو عبید قاسم بن سلام هروی (متوفای ۲۲۴)، ابوالحسن علی بن محمد مدائنی (متوفای ۲۲۴-۲۲۵)، ابن ابی الدنیا (متوفای ۲۸۱)، ابو عبدالله محمد بن زکریا الغلابی (متوفای ۲۹۸) و ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن شاهنشاه بغوی بغدادی (متوفای ۳۱۷) کتابی با عنوان *مقتل الحسین علیه‌السلام* داشته‌اند که اکنون موجود نیست. مقتل‌های اصیلی از ابومخنف (متوفای ۱۵۷)، محمد بن سعد (متوفای ۲۳۰)، بلاذری (متوفای ۲۷۹)، دینوری (متوفای ۲۸۲)، طبری (متوفای ۳۱۰) و ابن اعثم (متوفای ۳۱۴) موجود است که نشانگر اتمام تاریخ نگاران متقدم نسبت به ثبت و ضبط این برهه حساس تاریخ اسلام است. در این کتاب‌ها جهت اثبات یا تأیید نقل‌های عاشورایی، کمتر بررسی سندی و محتوایی صورت گرفته است تا جایی که محدثان، نویسندگان این آثار را، جز محمد بن سعد که همبستگی فکری با اهل حدیث داشت، به عنوان راویان غیر قابل اعتماد دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۶). با تتبع در مقاتل، این نکته حاصل می‌شود که آثار مدوّن در قرون اولیه، مبنای کار پژوهش در تاریخ عاشوراست و دانش تاریخ از قرن پنجم به بعد روبه ضعف می‌رود؛ چه اینکه مؤلفان اهتمام کمتری نسبت به ذکر سند روایات عاشورایی داشته‌اند. به طور نمونه سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴) در کتاب *اللّهوف علی قتلی الطّفوف*، سلسله سند روایت‌ها را حذف و فقط آخرین راوی یا منبع روایت را بیان کرده است و ابن حلی (متوفای ۶۸۰) در کتاب *مُشیر الأخران و مُنیّر سبیل الأشجان*، تحلیلی ارائه نمی‌دهد و اسناد گزارش‌ها را به صورت کامل بیان نکرده است (رنجبر، ۱۳۸۶: ۷۷). از قرن هشتم و کاربست قاعده «تسامح در ادله سنن» در عرصه روایات، این قاعده به نقل‌های عاشورایی سرایت کرد و به همین جهت در روایات مربوط به واقعه کربلا شرایط حجیت خبر، کمتر مد نظر قرار گرفت. موضع



دانشمندان فقه، اصول و کلام در این قاعده یکسان نیست. برخی از علما پذیرش «تسامح در ادله سنن» را مورد انتقاد قرار داده‌اند (بحرانی، ۱۳۶۳: ۱۹۸/۴-۲۰۲؛ خویی، بی‌تا: ۳۲۰/۱) و تعدادی نیز این قاعده را پذیرفته‌اند (انصاری، ۱۴۰۴: ۳۴)؛ لکن در گستره شمول آن یکسان نمی‌اندیشند و گروهی (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۹۴) با شروطی، استناد به اخبار ضعیف را در نقل قصص، مواعظ، فضائل اعمال و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام، جایز دانسته‌اند. مکتوبات پژوهشی غالباً به کلیات پیرامون قاعده «تسامح در ادله سنن» پرداخته‌اند و تنها اثری که در آن به نقش و تأثیر این قاعده در نقل‌های عاشورایی اجمالاً اشاره کرده است کتاب *لؤلؤ و مرجان* اثر نوری (۱۳۸۸: ۱۸۷) است. آنچه مطهری (۱۳۷۶: ۱۷، ۵۹۸) در کتاب *حماسه حسینی* در این زمینه بدان پرداخته، همانی است که در پژوهش میرزا حسین نوری مرقوم است. این مقاله با تأکید بر مصادیق به نقد تسری قاعده «تسامح در ادله سنن» در روایات عاشورایی پرداخته و با روش تحلیل محتوایی انواع آسیب‌ها و مزایا، راه‌کارهای تعامل با آن را برمی‌شمارد.

۲. قاعده تسامح در ادله سنن

عواملی چون احادیث سه‌گانه «من بلغ»، «من ردّ عتی حدیثا» و «ما جاءکم عتی من خیر»؛ نیز جریان‌های نص‌گرا و الگوبرداری از اهل سنت، باعث وضع قاعده «تسامح در ادله سنن» میان محدثین و اصولیون شد که بر مبنای آن، در مورد احکام غیرالزام آور، نسبت به احراز شرایط حجیت خبر واحد در مستحبات، سخت‌گیری نمی‌کنند و برخی آن را به مکروهات و حتی حوزه‌های تاریخ، طب، اخلاق، عرفان و قصص نیز تعمیم داده‌اند.

۱-۲. روایات مورد استناد در پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن

برخی روایات توسط قائلین قاعده «تسامح در ادله سنن» مورد استناد قرار گرفته است که بعضی از آنها به احادیث «من بلغ» شهرت یافته‌اند. این روایات به ترتب ثواب در انجام دادن عملی در متن احادیث مربوط به سنن اشاره دارد که مطلوبیت آن محتمل است. از جمله آنها، روایت منقول از امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

شئٌ فِيهِ الثَّوَابِ فَفَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلِ النَّبِيِّ ﷺ كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ وَإِنْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَمْ يَقُلْهُ»^۱ (برقی، ۱۳۷۱: ۲۵/۱). علاوه بر روایات «من بلغ» روایاتی دیگر مورد استناد قائلین قاعده مورد بحث است که به «نهی از رد کردن احادیث» اشاره دارند، مثل روایت منقول از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که فرمودند: «لَا تُكَذِّبُوا بِحَدِيثِ أَنَاكُمْ بِهِ مُرَجِيٌّ وَلَا قَدَرِيٌّ وَلَا خَارِجِيٌّ نَسَبُهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فَتُكَذِّبُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۳۹۵). دسته سوم روایات مورد استناد در پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن، روایاتی است که بر قبول روایات مؤید با عقل دلالت دارد، مانند روایتی که از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منقول است: «... ما جاءكم عنِّي من خیر فقلُّهُ أو لم أقلُّهُ، فأنا أقولُهُ، و ما أتاكم عنِّي من شرٍّ، فأنا لا أقولُ الشرَّ»^۳ (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۴۰۱/۱۴) که طی آن به پذیرش سخن منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله به شرط مطابقت با حق و خیر اشاره شده است.

۲-۲. نقش جریان‌های نص‌گرا در پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن

ظهور جریان‌های اخباری‌گری، اهل حدیث و حشویه عوامل دیگر در رویکرد عالمان شیعه و اهل سنت به قاعده تسامح در ادله سنن است. اخباریان شیعه صراحتاً درباره قاعده تسامح در ادله سنن اظهار نظر نکرده‌اند، لکن عملاً طرد احادیث متعارض را جایز شمرده و سعی در جمع بین آنها داشته و ریشه اختلاف متون حدیثی را تقیه دانسته‌اند. این رویکرد در پذیرش قاعده مورد بحث نقشی اساسی داشته است. در میان اهل سنت نیز اهل حدیث به نقد و تفکیک روایات توجهی نداشتند و سنت منتسب به پیامبر صلی الله علیه و آله را، اگرچه موافق یا مخالف عقل باشد، می‌پذیرفتند (سبحانی، ۱۳۹۰: ۱۹۳). با گذر زمان

۱. کسی که از پیغمبر صلی الله علیه و آله چیزی از ثواب و پاداش به او برسد، پس آن کار را انجام دهد اجر و پاداش آن برای او است و اگر چه رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را نفرموده.

۲. حدیثی را که مرجئی مذهب یا قدری مسلک و یا خارجی مرام برای شما آورد و نسبت آن را به ما داد، تکذیب نکنید زیرا شما نمی‌دانید شاید حدیث حق و صحیح باشد آن وقت بدین ترتیب حق عز و جل را در فوق عرشش تکذیب کرده‌اید.

۳. هر سخن خوبی که از من به شما باشد، حتی اگر آن را نگفته باشم، از من است و هر سخن بدی به شما برسد، من قائل آن نیستم.

انشعابات اهل حدیث مثل حشویه راه افراط را پیموده و تفاوتی بین حدیث صحیح و غیر صحیح قائل نشدند چنانچه به گفته محقق حلی: «حشویه در عمل به خبر واحد افراط کردند تا آن جا که سرسپرده همه اخبار شدند و درباره تناقضات برخی احادیث هیچ تأملی نداشتند» (حلی: ۱۳۶۴: ۱/۲۹). در نتیجه این برخورد جریان های نص گرا با احادیث، قاعده تسامح در ادله سنن، زودتر از آنچه انتظار می رفت در نقل های روایی رواج یافت.

۲-۳. نقش الگوبرداری از اهل سنت در رواج قاعده تسامح در ادله سنن

تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بین مکاتب در طول تاریخ صورت گرفته است چنانکه مکاتب شیعی و سنی، به علت وجود مشترکات زیاد و مجاورت در طول تاریخ اسلام، از این تأثیر و تأثر مستثنی نبوده اند. برمبنای شواهد موجود علمای اهل سنت پیش از محدثین شیعه تسامح در ادله سنن را به کار بستند تا حدی که با نگاه سهل گیرانه در پذیرش احادیث، در منابع متقدم ایشان، روایاتی متضاد با مبانی توحیدی، مثل امکان رؤیت خداوند در قیامت و نظایر آن، ورود پیدا کرد (نک. بخاری، ۱۴۰۷: ۴/۲۷۸-۲۸۰). اگرچه محدثان بزرگ اهل سنت در پذیرش حدیث، سند معتبر و عدالت راوی را ملاک قرا می دادند^۱ (نیشابوری، بی تا: ۱، ۳)، لکن روش سایر آنها در باب فضائل، ترغیب و ترهیب، برمبنای تسامح بود^۲ (خطیب بغدادی، ۱۴۰۵: ۱۶۲). همزمان با رونق مدارس اهل سنت در دوران عباسیان و گسترش جریان تسامح در اهل سنت، برخی از علمای شیعه نیز، با تأثیرپذیری از اهل سنت، به درج اسناد در مشیخه روی آوردند و پس از مدتی در برخی از منابع، روایات، بدون ذکر سند نقل شد.

۳. آسیب های قاعده تسامح در ادله سنن در نقل روایات عاشورایی

با توجه به سیره علما در مسامحه در نقل روایات ضعیف در باب فضایل، قصص و مصائب، حجمی معتنا به از اخبار عاشورایی با درجه اعتبار نامعلوم و گاهی با تضاد

۱. «الاسناد من الدین ولولا الاسناد لقال من شاء ما شاء» (نیشابوری، بی تا: ۱، ۳).

۲. «لا تاخذوا هذا العلم فی الحلال و الحرام الا من الرؤساء المشهورین بالعلم الذین یعرفون الزیادة و النقصان فلا بأس بما سوی ذلک من المشایخ» (خطیب بغدادی، ۱۴۰۵: ۱۶۲).

محتوایی، در مؤلفات ایشان ورود پیدا کرد که زمینه را برای بدبینی جامعه مذهبی نسبت به نقل‌های عاشورایی، فراهم کرد. در ادامه، آسیب‌های قاعده تسامح در ادله سنن در نقل روایات عاشورایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۳. اطلاق عمومی در پذیرش اخبار عاشورایی

از آسیب‌های مهمی که به واسطه تسامح، در نقل روایات عاشورایی به وجود آمد، پذیرش مطلق این اخبار بدون بررسی صدوری و متنی از جانب برخی از نویسندگان متون عاشورایی است. به همین جهت در بررسی سندی و رجالی برخی از اخبار عاشورا به مصادیقی برمی‌خوریم که دارای ضعف در سند هستند؛ مثل خطبه فاطمه صغری، که آن را سید بن طاووس (۱۳۴۸: ۱۴۹) از «زید بن موسی الکاظم علیه السلام» نقل می‌کند. در حالی که او از جانب رجالیون با تعبیر «زید النار»^۱ مورد جرح قرار گرفته است (خویی، ۱۴۱۳: ۳۶۰/۷). در بررسی متنی برخی دیگر از روایات نیز به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که از جهت محتوایی مستبعد هستند لکن به جهت اطلاق عمومی در پذیرش اخبار عاشورایی نقل شده‌اند. به عنوان نمونه خبری که در آن ابی مخنف به تکان خوردن گوشواره‌های حضرت زینب علیها السلام هنگام مواجهه با صحنه قتل امام حسین علیه السلام اشاره می‌کند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۵۲/۵)؛ اول آن که این اتفاق قبل از غارت خیام و حجاب مخدرات بوده است، در ثانی با حفظ حجاب اهل بیت امام حسین علیه السلام، حتی در شرایط سخت طول نهضت حسینی مغایرت دارد و غیرت الهی افتادن چشم اجانب به حرم اهل بیت علیهم السلام را تمکین نمی‌دهد.

۲-۳. ورود اخبار جعلی به مقاتل

از دیگر آسیب‌های کار بست تسامح در ادله سنن در روایات عاشورایی، ورود اخبار

۱. او فرزند امام موسی بن جعفر علیه السلام و برادر امام رضا علیه السلام است که در قیام علویان در عراق (۱۹۹-۲۰۰ ق) حضور داشت و با غلبه بر عامل عباسیان در بصره بر آنجا مسلط شد و به جهت اینکه دستور داد خانه‌های طرفداران بنی‌العباس را به آتش بکشند و حتی بعضی از آنان را در آتش بسوزانند به زید النار مشهور شد و مورد غضب امام رضا علیه السلام قرار گرفت (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۲۳۳/۳).

جعلی به مقاتل است که غالباً از جهت صدور و متن قابل پذیرش نیستند. این جعل گاهی با ساختن خبر و گاهی با افزودن عبارت یا تغییر آن صورت گرفته است. به عنوان نمونه با انگیزه مشروعیت بخشی به خلفا روایتی چنین جعل شده است که امام حسین علیه السلام هنگام خروج از مکه خطاب به عبدالله بن عمر گفتند: «اگر من بر خطایم نصیحتم کن... اگر پدرت زنده بود، حتماً مرا یاری می کرد» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۲۶). جعلی بودن این روایت با توجه به مخالفت با سیره معصومین علیهم السلام، مسلمات تاریخی و روایی ثابت می شود. علاوه بر روایات به کلی جعلی، در منابع عاشورایی روایاتی به چشم می خورد که برخی از عبارات آنها با انگیزه تقدس زدایی از نهضت حسینی تغییر داده شده است؛ مانند روایتی که در آن امیر المؤمنین علیه السلام در سرزمین کربلا، ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام را برای ابن عباس نقل می کند و تعدادی سرگین آهوبه او داده و خونین شدن آن را به عنوان نشانه شهادت امام حسین علیه السلام ذکر می کند (نک. همان، ۵۵۳/۲-۵۵۰). با تطبیق این روایت با متون دیگر از جمله مقتل الحسین (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۱/۲۶۴)، با نقل معقول تری مواجه می شویم؛ چه اینکه آمیختگی خون امام علیه السلام با پشکره آهوبه شأن امام علیه السلام تعارض دارد و تغییر تربت کربلا به سرگین در روایت، نشانگر جعلی بودن این عبارت در این نقل است. چه بسا تسامح در نقل روایات عاشورایی باعث شده که مجلسی (۱۴۰۳: ۱۷۰/۵۸) در کتاب خود این روایت را نقل کند.

۳-۳. افراط در قبول یا رد نقل های عاشورایی

یکی از آسیب های کاربست قاعده تسامح در روایات عاشورایی افراط در پذیرش یا رد اخبار رسیده از حادثه کربلا است. چه اینکه گاه این افراط در قبول بدون سنجش متن و سند بر مبنای ملاک های علم الحدیث بروز یافته است و گاه به جهت احتمال پذیرش برخی از نقل ها بر اساس این قاعده، بدون تأمل و تتبع لازم برخی از روایات عاشورایی به عنوان نقل های غیر معتبر دانسته شده اند. از دیگر عوارض این افراط امتزاج نقل های صحیح عاشورایی با اخبار ضعیف و در نتیجه میدان یافتن مغرضان کینه توز برای تضعیف جایگاه مقاتل و به طور کلی روایات مربوط به سیره اهل بیت علیهم السلام بین عموم مردم

شد و چه بسا طرح نظریه قرآن بسندگی در نتیجه افراط در رد احادیث باشد که می‌توان آن را نوعی عکس‌العمل مقابل تسامح در ادله سنن به شمار آورد. به عنوان نمونه برخی از پژوهشگران بر همین اساس در رد روایت «هل من ناصر ینصرنی»، طریق افراط را پیموده و آن را در زمره احادیث جعلی دانسته‌اند (نک. صحتی سردرودی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). در حالی که ثبت در منابع حدیثی متقدم یا مشهور، مقوم حدیث بودن و ظن به صدور است و این سخن امام حسین علیه السلام در آثار مورخان و محدثان با عباراتی نظیر: «أما من مغيث يُغيثنا لوجه الله!؟...» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۰۱/۵)، «هل من موحّد يخاف الله فينا!؟...» (سید بن طاوس، ۱۳۴۸: ۱۱۶)، «أما ذابّ يدبّ عن حرم رسول الله» (اربلی، ۱۳۸۱: ۲، ۵۰) آمده است و با عرضه به آیه «يا أيها الذين آمنوا إن تنصروا الله ينصركم...» (محمد/۷) و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یاری خواستن برای تقویت اسلام، نیز استنصار امیرالمؤمنین علیه السلام برای اثبات خلافت بلا فصل خود، تأیید می‌شود.

از جمله مصادیق افراط در قبول نقل‌های عاشورایی می‌توان به روایات مربوط به کشف رأس مخدرات حرم امام حسین علیه السلام در غارت خیام اشاره کرد که در منابعی نظیر مقتل منسوب به ابی مخنف^۱ که از جانب محققین غیر قابل استناد دانسته شده است (نک. شرف الدین، بی تا: ۴۱-۴۲؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۰) و کتاب نورالعین فی مشهد الحسین علیه السلام که گروهی از پژوهشگران به جعلی بودن آن تصریح کرده‌اند (نک. تاریخ قیام، ۱۳۹۱: ۱/۱۳۵-۱۳۷؛ قاضی طباطبائی، ۱۳۸۳: ۳۵۲) آمده است. در این منابع به غارت مقنعه حضرت زینب علیها السلام توسط خولی (نک. ابومخنف، بی تا: ۹۷-۹۸) و جدا کردن گوشواره آن حضرت با دندان آن مرد ازرق چشم (نک. اسفراینی، بی تا: ۵۳/۱) اشاره شده است؛ در حالی که پذیرش این نقل با عصمت حضرت زینب علیها السلام و غیرت الهی تعارض دارد؛ چه اینکه تمکین چنین ظلمی از ذات باری تعالی، بر حریمی که هرگونه رجس و پلیدی از آنها دور

۱. متن اصلی مقتل ابی مخنف، بعد از قرن چهارم از بین رفته است و هم اکنون دو نسخه مقتل به این نام شهرت دارد؛ یکی از این نسخه‌ها، کتابی غیر معتبر است که احتمالاً در قرن ششم جعل شده است (اسفندیاری، ۱۳۹۱: ۴۲) و دیگری نسخه‌ای بازسازی شده از طریق جمع‌آوری نقل‌های طبری، شیخ مفید و... از ابومخنف است که معتبر و قابل استناد است (ابومخنف، ۱۳۸۰: ۱۱).

است، روا نیست و این نسبت‌ها از ساحت مقدس اهل بیت علیهم‌السلام عادتاً محال است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۷۰-۷۳).

۴. ره‌آوردهای قاعده تسامح در ادله سنن در نقل روایات عاشورایی

در کنار آسیب‌هایی که به واسطه تسری قاعده تسامح در ادله سنن در نقل‌های عاشورایی بیان شد، با رعایت انصاف می‌توان ره‌آوردهایی را نیز در نتیجه کار بست این قاعده به دست آورد که در ادامه به مواردی از آنها می‌پردازیم.

۴-۱. حفظ گنجینه روایات عاشورایی

یکی از مزایای کار بست قاعده تسامح در ادله سنن در نقل روایات‌های عاشورایی، حفظ گنجینه وسیعی از نقل‌های مربوط به حادثه کربلا است؛ چرا که بسیاری از نقل‌های ضعیف مربوط به نهضت امام حسین علیه‌السلام با توجه به قرینه‌هایی چون: اجماع، کثرت نقل، مطابقت با قرآن و سنت و موافقت با عقل، تأیید و مورد استفاده قرار می‌گیرند و اگر روایات عاشورایی ضعیف‌السند را با حدیث موهون و مجعول مساوی بدانیم، بسیاری از نقل‌های عاشورایی که قرائن، ما را به وثوق صدوری^۱ آنها رهنمون می‌شوند از دایره مقاتل حذف می‌شوند. در ضمن برای ممانعت از راه‌یابی اخبار جعلی به متن مقاتل عاشورایی می‌توانیم از معیارهای محتوایی نقد حدیث بهره بگیریم و با کار بست آنها بین روایات ضعیف‌السند ولی از جهت محتوا قابل قبول با احادیث سست و ساختگی تفاوت قائل شویم. به عنوان نمونه وجود نقل‌های عاشورایی شیخ مفید و سید بن طاووس به صورت مرسل روایت شده است و نوری (۱۳۸۸: ۲۰۵-۲۰۶) این ارسال را به جهت سرایت قاعده تسامح در ادله سنن در نقل‌های عاشورایی می‌داند، به عنوان گنجینه‌ای از روایات عاشورایی همواره مورد استناد محققان و پژوهشگران تاریخ عاشورا بوده است و به جهت پرهیز از ذکر مطالب اغراق‌آمیز در کنار منابع و مقاتل دست اول قرار گرفته‌اند؛ تا جایی که قاضی طباطبائی (۱۳۸۳: ۴) هیچ مقتلی را در حد اعتبار لَهوف نمی‌داند.

۱. اگر نسبت به صادر شدن نقلی از معصوم: اطمینان حاصل شود در حقیقت وثوق صدوری یا خبری حاصل شده است (جزایری، ۱۴۱۶: ۴/۳۶۳).

۴-۲. امکان ارزیابی و تقویت نقل‌های عاشورایی ضعیف‌السند توسط آیندگان

از مهمترین مزیت‌های تسامح در نقل روایات عاشورایی این است که نقل‌های دارای ضعف‌سندی با کاربریست این قاعده در منابع تاریخی ثبت شد و به دست محققان سده‌های بعدی رسید و در حال حاضر با امکانات نرم‌افزاری می‌توان برای نقل‌های ضعیف‌السند در منبعی معتبر و مستند متون هم‌مضمون و شواهدی را یافت که دارای سند کامل و معتبر هستند و این فراوانی نقل در یک مضمون ما را به استفاضه، که یکی از قرائن مهم صدور حدیث است، برساند که نوعی تعاضد مضمونی^۱ به حساب می‌آید، چنانکه در میان محدثان ذکر احادیث مشابه رواج داشته است (نک. ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۳۱/۷). به عنوان نمونه طریحی (۱۴۲۴: ۲/۴۵۱-۴۵۲) روایت «اسقونی شربه من الماء» را به صورت مرسل نقل کرده و همین امر باعث شده که برخی محققان انتساب آن را به امام حسین علیه السلام مخدوش بدانند (نک. مطهری، بی‌تا، ۱۸۷؛ صحتی سردرودی، ۱۳۸۱: ۱۲۵-۱۲۸؛ موسوی، ۱۳۸۲: ۱۳۱؛ موگهی، ۱۳۸۴: ۱۶۹؛ بابایی، ۱۳۸۶: ۲۸؛ رنجبر، ۱۳۸۶: ۹۸، ۱۰۲). با این حال با استفاده از امکانات نرم‌افزاری می‌توان متون هم‌مضمون و مشابه این روایت را یافت که دارای اسناد معتبری هستند و می‌توان نوعی تعاضد مضمونی بین این روایت با آن نقل‌ها برقرار کرد. این روایات عبارتند از: روایت ابن سعد (۱۴۱۰: ۴۷۲/۵) در طبقات به صورت «..... عطش الحسین فاستسقی.....»، نقل دینوری (۱۳۶۸: ۲۵۸) در الاخبار الطوال با عبارت «وعطش الحسین فدعا بقدرح من ماء»، خبر اصفهانی (بی‌تا: ۱۱۷) در مقاتل الطالبیین به صورت «وجعل الحسین یطلب الماء»، گزارش ابن جوزی (۱۴۲۶: ۵۲) در الرد علی المتعصب العنید من ذم یزید با عبارت «وطلب الحسین ماء یشربه» و روایت طبری (۱۳۵۶: ۱۴۴) در ذخائر العقبی به صورت «اسقونا ماء» و «أنّ الحسین علیه السلام دعا بماء لیشرّب» که همه بر مفهوم روایت مذکور دلالت دارند و ما را به نوعی استفاضه و تعاضد مضمونی بین این روایات می‌رساند.

۱. فقیهان شیعه در برخی موارد برای تقویت اخبار و احادیث، از شاهد آوردن روایات ضعیف‌السند بهره گرفته‌اند (نک. حلی، ۱۴۱۲: ۲/۲۷).

۳-۴. استفاده از نقل‌های پذیرفته شده بر مبنای تسامح به عنوان قرینه^۱ منفصل

برخی از روایت‌های عاشورایی که با کاربریست قاعده تسامح در ادله سنن مورد پذیرش واقع شده‌اند به عنوان قرینه منفصل در فهم روایات دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه مضمون «آب طلب کردن امام حسین علیه السلام» در نقل‌های معتبر با عباراتی چون: «... عَطَشُ الْحُسَيْنِ فَاسْتَسْقَى...» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۵/۴۷۲)، «وَجَعَلَ الْحُسَيْنُ يَطْلُبُ الْمَاءَ» (اصفهانی، بی تا: ۱۱۷) آمده است و اینکه آیا استسقاء از دشمن بوده یا خیر در این روایات، مبهم باقی مانده است لکن با استفاده از متن مقاتلی که در آنها روایات به صورت مرسل نقل شده است، می‌توان این ابهام را برطرف کرد چنانکه سید بن طاووس (۱۳۴۸: ۱۲۴-۱۲۹) این روایت را از قول هلال بن نافع چنین نقل می‌کند: «... فَخَرَجْتُ بَيْنَ الصَّفَيْنِ فَوَقَفْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيَجُودُ بِنَفْسِهِ فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ فُطْقَتِيلاً مُضْمَخًا بِدَمِهِ أَحْسَنَ مِنْهُ وَلَا أَنْوَرَ وَجْهًا وَلَقَدْ شَغَلَنِي نُورُ وَجْهِهِ وَجَمَالَ هَيْئَتِهِ عَنِ الْفِكْرَةِ فِي قَتْلِهِ فَأَنْتَسَمَى فِي تِلْكَ الْحَالِ مَاءً...». از این روایت دانسته می‌شود امام علیه السلام لحظاتی قبل از شهادت در حالی که بین لشکریان دشمن احاطه شده بودند، برای اتمام حجت از آنها آب طلب کرده‌اند.

۵. چگونگی تعامل با تسامح در نقل‌های عاشورایی

با توجه به مباحث پیشین، دانسته شد در کنار آسیب‌های کاربریست قاعده تسامح در ادله سنن در روایات عاشورایی، فوایدی نیز بر آن مترتب است. برای بهره‌مندی از این مزایا نیاز به تعامل با اینگونه نقل‌هاست که بر اثر کاربریست این قاعده در متن مقاتل وارد شده است. به همین جهت در این قسمت از بحث به شیوه تعامل با این نقل‌ها پرداخته و راه‌کارهایی را در این زمینه ارائه می‌شود.

۱. قرینه از ماده «قرن - یقرن» به معنی جمع کردن گرفته شده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: «قرن»)، و به معانی علامت، نظیر، آنچه دلیل فهم مطلبی یا پیدا کردن مجهولی باشد و... به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: «قرینه»). در اصلاح علوم حدیث، قرائن شامل متصل و منفصل است و قرینه متصل به کلام چسبیده و از ابتدا در فهم مقصود گوینده نقش دارد لکن قرینه منفصل، جدای از کلام به فهم مقصود متکلم کمک می‌کند (صدر، ۱۴۰۶: ۹۲/۱).

۱-۵. پرهیز از نفی بدون تحقیق

اولین قدم در تعامل با روایات عاشورایی که از جهت سندی ضعیف هستند، عدم انکار آنها و پرهیز از اینکه نقل‌های ضعیف‌السند را بدون تحقیق در ردیف روایات جعلی و ساختگی بدانیم، چه اینکه بعضی از آنها ارزشمند و واقعی هستند؛ لکن به دلایلی سلسله سند آنها حذف شده یا برخی از راویان آنها مجهول است و به همین جهت در زمره نقل‌های ضعیف‌السند قرار گرفته‌اند. به همین جهت در تتبع در منابع حدیثی مکرراً روایاتی مواجه می‌شویم که اهل بیت علیهم‌السلام از رد احادیثی که جعلی بودن آنها مُحَرَز نیست نهی فرموده‌اند. از جمله ابن بابویه (۱۳۸۵: ۲/۳۹۵) روایت کرده است: «... عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالُوا لَا تُكَذِّبُوا بِحَدِيثِ أَتَاكُمْ بِهِ مُرْجِيٌّ وَلَا قَدْرِيٌّ وَلَا خَارِجِيٌّ نَسَبَهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فَتُكَذِّبُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ»^۱.

۲-۵. ارزیابی جوانب مختلف حدیث و تقویت آن

امکان جستجوی عبارات و مضامین روایات مورد نظر با استفاده از نرم‌افزارهای حدیثی وجود دارد تا روایات مشابه و هم‌مضمون آنها در نقل‌های معتبر و مستند کشف شود. البته این تفحص الزاماً به یافتن روایت هم‌مضمون با سند کامل نمی‌انجامد لکن ممکن است با به دست آوردن چند نقل مشابه دارای سند، در مجموع، ما را به حدی از اطمینان در مورد محتوای نقلی ضعیف‌السند برساند؛ کما اینکه در بحث قبل در مورد روایت «اسقونی شربه من الماء» (طریحی، ۱۴۲۴: ۲/۴۵۱-۴۵۲) بدان اشاره شد. علاوه بر این، شواهد قرآنی مؤید محتوای روایات مورد بحث، در ارزیابی و تقویت آنها نقش بسزایی دارد و در صورت همسویی مضمونی اینگونه نقل‌ها با قرآن، نحوی از اطمینان نسبت به صدور آنها برایمان حاصل می‌شود؛ کما اینکه معصومین علیهم‌السلام به این امر به عنوان یکی از ملاک‌های پذیرش روایات اشاره فرموده‌اند؛ چنانکه راوی می‌گوید با گروهی محضر امام



۱. ... از ابی بصیر از امام باقر یا امام صادق: نقل کرده که فرمودند: حدیثی را که مرجئی مذهب یا قدری مسلک و یا خارجی مرام برای شما آورد و نسبت آن را به ما داد تکذیب نکنید زیرا شما نمی‌دانید شاید حدیث حق و صحیح باشد آن وقت بدین ترتیب حق عزّ و جلّ را در فوق عرشش تکذیب کرده‌اید.

باقر علیه السلام رسیدیم و از ایشان خواستیم برای ما توصیه‌هایی داشته باشند ایشان فرمودند: «... إِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِدًا أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَالْأَقْفَمُوا عِنْدَهُ ثُمَّ رُدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ...»^۱ (کلینی، ۱۳۶۲: ۲/۲۲۲). به عنوان نمونه روایت «هل من ناصر نصرني» (زنجانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲) که در منابع متأخر نقل شده و برخی به جهت اینکه یاری خواستن امام علیه السلام با عزتمندی ایشان مغایرت دارد، آن را در زمره احادیث جعلی دانسته‌اند (نک. صحتی سردرودی، ۱۳۸۱: ۱۲۹)، علاوه بر شواهدی که در منابع متقدم و مستند برای مضمون این روایت وجود دارد، با عرضه آن به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ...» (محمد/۷) تقویت و تأیید می‌شود چه اینکه یاری خواستن از دیگران در راه دین خدا، با اصل عزت منافات ندارد.

نتیجه

مهمترین نتایج پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- اگرچه قاعده «تسامح در ادله سنن» با توجه به واژه سنن، اساساً در محدوده روایات فقهی و مستحبات می‌گنجد؛ لکن گروهی از علما همچون شهید ثانی با شروطی استناد به اخبار ضعیف را در نقل قصص، مواعظ، فضائل اعمال و مصائب اهل بیت علیهم السلام جایز دانسته‌اند؛ به همین جهت محدث نوری معتقد است، «تسامح در ادله سنن» یکی از عوامل ورود روایات ضعیف‌السند به نقل‌های عاشورایی است؛ ۲- روایات «من بلغ»، «من ردّ عنی حدیثاً»، «ما جاءکم عنی من خیر»، جریان‌های نص‌گرا و الگوبرداری از اهل سنت در رواج قاعده تسامح در ادله سنن نقش بسزایی داشته‌اند؛ ۳- اطلاق عمومی در پذیرش اخبار عاشورایی، ورود اخبار جعلی به مقاتل و افراط در قبول یا رد نقل‌های عاشورایی از جمله آسیب‌های قاعده تسامح در ادله سنن در نقل روایات عاشورایی است؛ ۴- از مواردی چون: حفظ گنجینه روایات عاشورایی علیهم السلام، امکان ارزیابی و تقویت نقل‌های عاشورایی ضعیف‌السند توسط آیندگان و استفاده از نقل‌های پذیرفته شده بر مبنای تسامح به عنوان قرینه منفصل، می‌توان به

۱... چون حدیثی از ما به شما رسید و یک دلیل یا دو دلیل از کتاب خدا برایش پیدا کردید، آن را اخذ کنید و گر نه نسبت به آن توقف کنید، و سپس آن را به ما ارجاع دهید (از ما بپرسید) تا برای شما روشن شود...

عنوان ره آوردهای قاعده تسامح در ادله سنن در نقل روایات عاشورایی نام برد؛ ۵- برای تعامل سازنده با تسامح در نقل های عاشورایی مواردی چون: پرهیز از نفی بدون تحقیق و ارزیابی جوانب مختلف حدیث و تقویت آن پیشنهاد می شود.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اعثم، ابو محمد احمد (۱۴۱۱ق)، الفتوح، بیروت، دار الأضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷ق)، عین اخبار الرضا، تهران، نشر جهان.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۶ق)، الرد علی المتعصب العنید المانع من ذم یزید، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶-۱۴۱۷ق)، فهارس العامه (لصحابة، شیوخ أحمد - شیوخ عبدالله - الرواة - الأعلام - الأماكن والبلدان - القبائل والجماعات - الغزوات و الأيام)، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- أبو مخنف، لوط بن یحیی (بی تا)، مقتل أبی مخنف (المشهور)، طهران، انتشارات علمی.
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح (۱۳۸۱ش)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تبریز، کتابفروشی بنی هاشم.
- اسفراینی، ابواسحاق (بی تا)، نورالعین فی مشهد الحسین (ع)، تونس، مکتبه المنار.
- اصفهانی، ابوالفرج (بی تا)، مقاتل الطالبیین، بیروت، دارالمعرفه.
- انصاری، مرتضی (۱۴۰۴ق)، مجموعه رسائل فقهیه و اصولیه، به کوشش عباس حاجیانی، قم، مکتبه مفید.



- بابایی، رضا (۱۳۸۶ش)، «آسیب شناسی مجالس عزاداری»، فصلنامه پیام، سال دوم، شماره هشتاد و ششم.
- بحرانی، یوسف (۱۳۶۳ق)، الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، الجامع الصحیح، مصر، مطبعه المیریه بیولاق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم، دارالکتب الإسلامیه.
- تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء (ع) (۱۳۹۱ش)، گروهی از تاریخ پژوهان، زیر نظر مهدی پیشوایی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جزائری، سید محمد جعفر (۱۴۱۶ق)، هدی الطالب فی شرح المکاسب، قم، دارالکتاب.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱ش)، تأملی در نهضت عاشورا، قم، انصاریان.
- حلی، جعفر بن محمد (۱۳۶۴ش)، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سیدالشهداء (ع).
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مؤسسه الطبع والنشر فی الاستانہ الرضویه.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت (۱۴۰۵ق)، الکفایه فی علم الروایه، بیروت، دارالکتاب العربی.
- خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد حنفی (۱۴۱۸ق)، مقتل الحسین (ع)، قم، دارانوار الهدی.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواه، قم، بی نا.
- خوبی، ابوالقاسم (بی تا)، مصباح الاصول، قم، مکتبه الداوری.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸ش)، الأخبار الطوال، قم، منشورات الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیه.

- رنجبر، محسن (۱۳۸۶ش)، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر»، فصلنامه علمی تخصصی تاریخ درآینه پژوهش، سال چهارم، شماره دوم.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰ش)، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراییه، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- سنقری حائری، محمد علی (۱۳۸۱ش)، چهره گشایی دختران امام حسین (ع)، قم، انتشارات چاف.
- سید بن طاوس، رضی الدین علی بن موسی (۱۳۴۸ش)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، انتشارات جهان.
- شرف الدین، عبدالحسین (بی تا)، مؤلفوالشیعة فی صدرالإسلام، بغداد، مكتبة الأندلس.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۰۸ق)، الرعایه فی علم الدراییه، قم، مكتبة آية الله المرعشی.
- صحتی سردودی، محمد (۱۳۸۱ش)، «بازخوانی چند حدیث مشهور درباره عاشورا»، فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، ۲۶، سال هفتم، شماره چهارم.
- صدر، محمد باقر (۱۴۰۶ق)، دروس فی علم الاصول، بیروت، دارالکتب اللبنانی.
- طبری، محب الدین احمد بن عبدالله (۱۳۵۶ق)، ذخائرالعقبی فی مناقب ذوی القربی، قاهره، مكتبة القدسی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دار التراث.
- طریحی، فخرالدین محمد (۱۴۲۴ق)، المنتخب للطریحی فی جمع المراثی والخطب المشتهر ب: الفخری، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- قاضی طباطبائی، سید محمد علی (۱۳۸۳ش)، تحقیق درباره اول اربعین سید الشهداء، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹ش)، نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم، قم، المكتبة الحیدریه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، الکافی، تهران، انتشارات اسلامی.

- مجلسی، مولی محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لعلوم الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ش)، مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا.
- موسوی، سید محمد (۱۳۸۲ش)، «نقل های مجعول و مشهور»، ماهنامه مبلغان، سال پنجم، شماره ۵۱.
- موگهی، عبدالرحیم (۱۳۸۴)، «آسیب شناسی مطالعات دینی و تحقیقات علمی»، فصلنامه مریبان، سال ششم، شماره شانزدهم.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۸۸ش)، لؤلؤ و مرجان، تهران، نشر آفاق.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر.